

سر مقاله

شفافیت؛ رویه سکه پاسخگویی

ادامه از صفحه یک
۳- اگر بخواهیم دقیق‌تر حرف بزیم، به جز ملاحظه پاسخگویی، شفافیت یک قید دیگر نیز دارد. ما باید دقیقاً بدانیم کجا را باید شفاف کنیم، یعنی کدام نقطه بلاخیز و فسادخیز در قدرت وجود دارد. به عبارتی باید بدانیم شفافیت با مانیئور کردن کدام بُرش از زیست سیاسی سیاستمداران و فرآیندهای نهادهای ایجاد خواهد شد؟ به طور مثال، دانستن مسیرهای درآمدی یک سیاستمدار بیشتر به کار شفافیت می‌آید تا مبلغ حساب بانکی او. و یا دانستن منابع تغذیه اطلاعاتی نمایندگان معنای دقیق‌تری از شفافیت است تا اطلاع از آرای آنان!

۴- برای جامعه یک علامت سوال بزرگ وجود دارد که چرا باوجود این همه بگیروبیند و اقدامات پلیسی در حوزه فساد، از آمار فساد چیزی کاسته نمی‌شود؟ من معتقدم باید جای دوربین‌ها را عوض کرد. دوربین‌ها فقط یک فاسد را رصد می‌کنند اما نسبت به فرآیندهای فسادپرور بی‌تفاوتند. امروز شفافیت را به این نازل داده‌اند که بدانیم «ب ز» همان بایک زنجانی است و یا فلان واردکننده متخلف، نسبت فامیلی با یک مسئول دارد. این کارها اگر هم معنایی از شفافیت باشند، خفیف‌ترین و کم‌خاصیت‌ترین معنای آن است. به جای اسم بایک زنجانی یا نسبت فلان بازرگان متخلف با فلان وزیر، باید روشن و شفاف شود که چه کسی و با چه فرآیندی برای این تخلف‌ها امضای طلایی تعریف کرده است؟!

۵- شفافیت، یک مفهوم مشکک است. می‌توان از شفافیت کم و یا زیاد سراغ گرفت و ازدیاد آن فضیلت است. شفاف شدن آرای نمایندگان، اگر فضیلت است که هست، شفاف شدن اهداف تبلیغاتی طرح‌کنندگان آن در برهه‌های خاص، فضیلت بیشتری دارد. اینکه روشن کنیم یک واعظ که علیه نمایندگان فحاشی می‌کند و از تریبون‌های عمومی که با پول ملت اداره می‌شوند استفاده می‌کند، اطلاع دقیقی از احوال مملکت و موضوعی که در مورد آن درشتی و زشتی منتشر می‌کند ندارد، بخشی از شفافیت است.

۶- دانستن آرای نمایندگان مجلس کمترین حق مولکان است. اما بازی سیاسی با آن، یک نامردی سیاسی است. برخی اگر واقعاً به شفافیت اعتقاد دارند نباید نسبت به شفاف‌سازی ما حساس باشند! ما گفته‌ایم که شفافیت آرای نمایندگان کوچک‌ترین جزء یک کل مبارک است. چرا به آن کل اعتنایی نمی‌شود؟ چرا آب شفافیت را به همه لانه‌ها نریزم تا کرم‌های فساد بیرون بیایند؟ این سخن بدبویی چرا اینقدر بر کسی مثل آقای راتئی‌پور گران می‌آید؟ نگران روشن شدن چه چیزی هستند که اینچنین دست‌پاچه حمله می‌کنند؟ این‌شاء‌الله با همراهی همه همکاران این طرح تصویب خواهد شد؛ اما صداقت و اعطای خودشفیفته زمانی مشخص می‌شود که ببینیم با شفافیت‌های بیشتر همراهی خواهند کرد یا نه؟ آیا اینان به قانون گردش آزاد اطلاعات تن خواهند داد یا نه؟ آیا اینان مدافع آزادی پس از بیان(که شرط تحقق شفافیت است) خواهند شد یا نه؟

خبر

محمدرضا عارف خواستار شد

آسیب‌شناسی عملکرد جریان اصلاحات

محمدرضا عارف، رئیس شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و رئیس فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی به دعوت علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت در جمع اعضای شورای مرکزی این حزب حضور یافت و عملکرد شورای عالی اصلاح‌طلبان و فراکسیون امید را تشریح کرد و به سوالات و نقدهای اعضای شورای مرکزی این حزب اصلاح‌طلب پاسخ داد. به گزارش ایستنا، در این جلسه عارف ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری شورای عالی اصلاح‌طلبان به تشریح عملکرد این شورا در دو انتخابات مجلس دهم و شورای اسلامی شهر و روستا و ریاست‌جمهوری پرداخت. وی همچنین خواستار آسیب‌شناسی عملکرد جریان اصلاحات شد.

درواقع می‌شود گفت انتقاد وحید جلیلی به شیوه مدیریتی آن از سوی برخی افراد از همین جریان، دعوی درونی دیگری را بین اصولگرایان به وجود آورده است. دعوا سر سه‌م‌خواهی طیف‌های مختلف این جناح سیاسی در یک نهاد انتصابی است؛ نهادهی که سال‌ها است دست دیگر جناح‌ها و جریان‌های سیاسی در رسیدن به آن کوتاه مانده است و مدیران آن فقط از یک جریان سیاسی انتخاب می‌شود و کاملاً در اختیار آنها است. مدتی است که در برخی اخبار غیر رسمی زمزمه تغییر در مدیریت این سازمان عریض و طویل به گوش می‌رسد. همین اخبار بهانه‌ای شده است تا طیف‌های اصولگرایی برای کسب صندلی مدیریت در صداوسیما به جان هم بیفتند و نقدهای تندی به همدیگر وارد کنند.

ماجرا درمورد صحنه‌گردانان صداوسیما و نقد تند وحید جلیلی به نازی‌آبادی‌ها برمی‌گردد. انتقادی که کار دستش داد و اصولگرایان حالا او را تهدید می‌کنند. تا جایی که روزنامه کیهان در مطلبی به جلیلی هشدار داد که ممکن است در آینده به حشمت‌الله طبریزی دیگری تبدیل شود. وحید جلیلی، برادر و هم‌طیف سعید جلیلی، عضو کنونی شورای عالی امنیت ملی و رئیس تیم مذاکره هسته‌ای در دولت احمدی‌نژاد بود. فعال فرهنگی نزدیک به جبهه پایداری و مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی که جشنواره فیلم‌های مستند عمار از جمله فعالیت‌هایش است. ماجرای این دعوا هم درواقع به سخنان تند او درباره عوامل سریال «عروس تاریکی» یا «بوی باران» برمی‌گردد.

وحید جلیلی در یادداشتی درباره علل ناکارآمدی رسانه ملی به مسائلی اشاره کرد و انتقادهای تندی را به مدیران سابق و فعلی صداوسیما نسبت داد و نوشت: «در آن گفتار از مدیران ارشد رسانه ملی و برخی پشتیبانان بانفوذشان در برخی جاهای مهم نظام، سخن گفته بودم و اینکه دیگر بعد از ۲۰ سال، کم‌کم وقت نهی از منکر علنی‌شان رسیده است و بعضی تاریکخانه‌های مدیریت باندی و ناکارآمد صداوسیمای جمهوری اسلامی باید مورد هجوم نورافکن‌ها قرار گیرد. در آن جلسه «عروس تاریکی» فقط از آن جهت که نمونه نمایانی از کارنامه آن تاریکخانه بود به کسری از آنچه سزاوار بود نواخته شد». این سخنان وحید جلیلی اما بی‌پاسخ نماند و با واکنش و پاسخ عباس نعمتی، نویسنده این سریال مواجه شد. البته پاسخ‌ها فقط به نعمتی ختم نشد و همچنان این دعوا و انتقادها به جلیلی ادامه دارد.

اما آنچه در این دعوی درون‌جراحی قابل توجه است این است که هدف وحید جلیلی نقد بی‌رحمی «بوی باران» نیست بلکه انتقاد شدید از مدیران سابق سازمان صداوسیما و افراد بانفوذ در این سازمان است. این رویه اما به مذاق دیگر اصولگرایان خوش نیامد و واکنش‌های زیادی را در پی داشت.

حسین سفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد دولت محمود احمدی‌نژاد را واکنش به سخنان وحید جلیلی در یادداشتی نوشت: «در حیرتم از وقت‌ناشناسی برخی دوستان که چطور باب نقد علنی

و تخریب اصحاب و خادمان وفادار رهبری را درست در شرایطی گشودند که دشمن هرزه‌گو و رفقای راه گم کرده سابق، حملات پر حجمی را علیه این جایگاه به نیت تضعیف عمود خیمه انقلاب آغاز کرده‌اند؟! علاوه بر هرندی، رئیس پیشین صداوسیما یعنی عزت‌الله ضرغامی نیز دست به کار شد و در توثیقی نوشت: «همیشه به آقای حسین محمدی گله داشتم که به دلیل رفاقتان، احتیاطاً اشکالات ما را پررنگ‌تر و خدمات ما را کم‌رنگ‌تر گزارش می‌کنند. امروز فهمیدم که آن احتیاط، بی‌حکمت نبوده است؛ ضمناً شورش دفتر علیه دفتر را کسی باور نمی‌کند!«

این دعواها اما از چه زمانی آغاز شد؟ گفته می‌شود که صداوسیما یا همان رسانه ملی در آستانه تغییراتی در مدیریت خود قرار دارد و گزینه‌های مختلفی از سوی رسانه‌ها و افراد تا به حال مطرح شده است. در چنین وضعیتی حالا دعوی درونی بین افرادی از یک جریان که پیش از این همکار و همراه بوده‌اند ابهامات زیادی را به ذهن هر مخاطبی متبادر می‌کند.

این نشانه‌ها درواقع گویای آن است که دعوی اصولگرایان به خاطر دلسوزی بر سر نحوه مدیریت

دلایل ناکامی اصولگرایان برای رسیدن به ائتلاف درونی بررسی شد

شکاف اصولگرایان به صداوسیما رسید



الهام برخوردار

cl.barkhordar13@gmail.com

اصولگرایان این روزها بیش از هر چیزی درگیر دعوای درونی هستند و به جای آنکه با تلاش بزرگان این جریان سیاسی به وحدت درونی برسند، برعکس این شکاف هر روز عمیق‌تر می‌شود و ابعاد آن گسترده‌تر می‌شود. بعد از ماجرای ادهام‌دار و ناکامی آنها در رسیدن به یک ائتلاف درونی با نام‌های چون «جمنا» و «شورای وحدت» و پس از آن ماجرای پرحاشیه آیت‌الله لاریجانی با آیت‌الله محمد یزدی پیش آمد و حالا به تازگی این شکاف در رسانه ملی که همیشه مدیریت آن در دست اصولگرایان بوده است نمود بیشتری پیدا کرده است. در این میان یک طیف از جریان اصولگرایی همیشه سعی کرده است ساز مخالف بزند و برنامه‌های اصولگرایان را با مشکل مواجه کند. این طیف که بیشتر به نام طیف‌تندرو شناخته می‌شود تا به حال هیچ‌گاه نتوانسته است با بقیه طیف‌های اصولگرایی به یک ائتلاف برسد. سعید جلیلی یکی از رهبران این طیف تندرو محسوب می‌شود که اخیراً انتقادات تند برادر او به عملکرد صداوسیما و برخی مدیران رسانه ملی این شکاف درون‌جراحی را بیشتر نمایان کرده است.



اصولگرایان

می‌گویند

برادران جلیلی

با شلوغ کاری

می‌خواهند

ظرفیت تبدیل

شدن به یک

جریان سیاسی

را ندارند

چرا که خود اصولگرایان نیز معتقدند برادران جلیلی ظرفیت تبدیل شدن به یک جریان سیاسی را ندارند. اگر به کارنامه سعید جلیلی هم در تاریخ فعالیت سیاسی او نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که او بیشتر با مخالفت کردن سعی کرده است در فضای سیاسی دیده شود و مورد توجه قرار بگیرد و حتی در جلسات شورای وحدت جریان اصولگرایی هم شرکت نکرده است. درواقع آنها با سروصدا کردن و شلوغ کاری سعی می‌کنند دیده شوند و همچنین جدی گرفته شوند. اما سوال اینجاست جریان اصولگرایی با چنین طیف‌های تندرو و شکاف‌های تازه‌ای که هر روز رو می‌شود چگونه خواهد توانست به یک ائتلاف درونی که خواست بزرگان آنها از جمله افرادی چون ضرغامی و باهنر است، برسد. به نظر می‌رسد اصولگرایان تا زمانی که تکلیف و اهداف طیف‌های مختلف این جریان را در درون خود روشن نکنند همچنان در رسیدن به ائتلاف ناکام خواهند بود. چرا که هر کدام از این شکاف‌هایی که به بالا به آنها اشاره شد به سهم خود در ائتلاف درونی نقش بسزایی دارند.

رسانه ملی و رفع ایرادات و انتقاد به نحوه مدیریت آن نیست بلکه دعوا درون‌جراحی است. یعنی دعوا بر سر گرفتن مدیریت این سازمان عریض و طویل است که از ابتدا تا کنون رقیب آنها یا همان اصلاح‌طلبان نتوانسته‌اند به آن دست پیدا کنند و کاملاً در اختیار این جناح بوده است. حالا هم که دست اصولگرایان این جناح شورای وحدت شوره گرفته شده است، طیف‌های مختلف اصولگرایی در تلاش هستند تا افراد مورد نظر خود را بر مدیریت آن بگذارند. وگرنه طی این سال‌ها چرا هیچ کدام از این افراد لب نگشوده و انتقادی به مدیریت صداوسیما وارد نکرده‌اند، حالا که زمزمه تغییر در مدیریت آن به گوش رسیده است به فکر انتقاد و سرزنش هم‌گیشان خود افتاده‌اند.

اما در این میان برخی معتقدند که برادران جلیلی با بیان چنین انتقاداتی در تلاش هستند تا یک جریان سیاسی را در فضای سیاسی کشور ایجاد کنند. حتی عده‌ای از آنها به عنوان جریان سوم نام می‌برند اما این امر با توجه به ظرفیت‌های این افراد و نبود عوامل ایجاد یک جریان سیاسی در درون آنها امری بسیار بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسد

رسانه ملی در مسیر افزایش مشارکت انتخاباتی حرکت کند

مصباحی‌مقدم:

ما خدمات خودشان را به صورت گسترده‌ای افزایش بدهند تا مردم حس کنند که یک حرکت نویی از خدمت‌رسانی پدید آمده است، شبیه آنچه که امروز در قوه قضائیه شاهد هستیم که واقعا عملکرد رئیس قوه قضائیه امیدآفرین است و اگر همین رفتار را مسئولان سایر قوا هم نشان بدهند، حتما موثر خواهد بود.

مصباحی مقدم با اشاره به اینکه نیروهای سیاسی باید کاملاً هوشیار باشند و در خدمت پازل دشمن نباشند، گفت: برای اینکه این اتفاق بیفتد ما نیازمند همدلی، همنوایی و انسجام ملی هستیم و باید مجموعه سازوکارهای جناح‌ها و گروه‌های سیاسی به سمت مصالح ملی برود و خصوصاً در این شرایط هرگونه اقدامی در جهت حمله به جناح‌ها و نیروهای سیاسی مقابل، به خیال آنکه مجلس آینده را به دست بگیرند و اکثریت مجلس را کسب کنند، خطای بزرگی است. وی در ادامه گفت: حتما در آستانه انتخابات مقام معظم رهبری پیام خواهند داد و مردم را به مشارکت حداکثری

عضو جامعه روحانیت مبارز گفت: نباید تصور کنیم اگر یک جناحی را تضعیف کنیم، جناح دیگری پیروز می‌شود، این در دعوی انتخاباتی اشتباه بزرگی است و «نه» به هر دو جناح را به دنبال خواهد داشت.

به گزارش خبرآنلاین، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی‌مقدم درباره راهکار افزایش مشارکت مردم در انتخابات مجلس یازدهم گفت: اساس اولیم مردم به کارآمدی دولت و نظم است و هر مقدار کارآمدی دولت و نظام جمهوری اسلامی بالا برود، اعتماد مردم به مجموعه افزایش پیدا می‌کند و استقبال آنها هم از انتخابات بالا می‌رود. وی افزود: متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل ضعف‌هایی که در مدیریت اجرایی کشور بوده، ما شاهد یک افت بزرگ در اعتماد مردم به مدیران خودشان هستند، اما برای اینکه در ماه‌های باقی‌مانده بتوانیم مردم را امیدوار کنیم و از آنها برای حضور پای صندوق‌های رای دعوت کنیم، باید دولت‌مردان و مسئولان کشور

سیداحمد علم‌الهدی در خطبه دوم نماز جمعه حرم رضوی:

امروز ایران، محدود به حدود و مرزهای جغرافیایی نیست

وی ادامه داد: امروز ایران تنها یک کشور نیست؛ امروز حشدالشعبی، انصارالله، حزب الله و جهاداسلامی ایران است. سید مقاومت اعلام کرد که مقاومت در منطقه یک امام دارد و آن رهبر انقلاب اسلامی ایران است. علم‌الهدی یادآور شد: روز شنبه گذشته انصارالله یمن ۱۰ پهپاد به عربستان فرستاد و پالایشگاه نفت آرامکو که مهم‌ترین پالایشگاه در جهان است و روزی ۷ میلیون بشکه نفت در این پالایشگاه تسویه می‌شد را توسط پهپادهای خود با خاک یکسان کرد. کار به جایی رسیده که عربستان از عراق نفت می‌خرد و آمریکایی که در هیچ شرایطی حاضر به باز کردن استراتژیک نفت نمی‌شد مجبور شد آنها را باز کند.

وی افزود: آمریکایی‌های نادان می‌گویند این کار ایران بود؛ اینها می‌خواهند سر دنیا را کلاه بگذارند. مگر رادار تنها یک جهت را پوشش می‌دهد؛ حالا شما ایران را متهم کنید؛ فکر کردید ایران تنها در درون مرز است که متهم می‌کنید؟ امروز ایران مقاومت در منطقه است یعنی اگر به ایران تجاوز کنید اسرائیل در نصف روز خاک می‌شود.

وی ادامه داد: اصلاً فهمیده‌اید ایران کجاست؟ هم شمال شما و هم جنوب شما ایران است. امروز در هر نقطه‌ای در منطقه یک مسلمان بیدار وجود دارد.

خبر

سردار صفوی:

ترامپ با حسرت تسلیم کردن ملت ایران به تاریخ خواهد پیوست



دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا گفت: وعده مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی اسرائیل موضوعی است که خداوند متعال می‌خواهد روزی مسلمین جهان کند. به گزارش ایستنا، سرلشکر سید یحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده کل قوا با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، گفت: این وعده مقام معظم رهبری موضوعی است که خداوند متعال می‌خواهد روزی مسلمین جهان کند.

مشاور عالی فرمانده کل قوا، به اقتدار جمهوری اسلامی ایران و افول قدرت ایالات متحده آمریکا اشاره کرد و گفت: پس از گذشت ۳۰ سال از پایان دفاع مقدس، آیا انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا قوی‌تر شده است یا دشمنان انقلاب اسلامی یعنی جبهه آمریکایی و دوستان آنها مانند رژیم صهیونیستی؟ وی ادامه داد: واقعیت این است که متحدین انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت با داشتن توانمندی‌ها و ثروت عظیم مردم و برخورداری از هوش، ایمان و انگیزه و اینکه اهداف حقیلبانه و عدالت‌خواهانه دارد از متحدین و دوستان آمریکا در منطقه قوی‌تر هستند.

صفوی تأکید کرد: اعتبار آمریکا و رژیم‌های دست نشانده آن از بین رفته است. اینها غیر مردمی هستند، هم اکنون بازرگان اصلی منطقه دو جبهه هستند، یک جبهه انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت و جبهه دیگر آمریکا و متحدین آنها است.

صفوی ادامه داد: انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری و ملت و شوراهای مردم ایران همواره به دنبال صلح و امنیت پایدار هم در منطقه و هم در جهان بوده و هستند. البته نه آن صلحی که چند روز پیش آقای پمپئو در ملاقات با رهبران عربستان از آن نام برد و با دروغ و خدعه می‌خواهد افکار عمومی مردم جهان را فریب دهد.

مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در ادامه این سخنرانی خاطرنشان کرد: آمریکایی‌ها می‌دانند که قدرت انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در حال اوج‌گیری است و قدرت آمریکا و طرفداران آنها در حال افول و نزول است. سیاست آمریکایی‌ها در منطقه غرب آسیا در رابطه با ایران با شکست مواجه شده است. صفوی با اشاره به سیاست‌های دولت‌های آمریکا اظهار کرد: آقای ترامپ به سرنواشت ۶ رئیس‌جمهوری قبل از خودش که آمدند و رفتند و همه آنها نتوانستند اراده سیاسی خود را بر ملت و حکومت ایران تحمیل کنند، دچار خواهد شد. ترامپ با حسرت تسلیم کردن ملت ایران به تاریخ خواهد پیوست و رهبری قدرتمند و خردمندانه مقام معظم رهبری، اتحاد و یکپارچگی قوای سه گانه و ملت ایران سد تحریم‌های ظالمانه آمریکا را خواهد شکست و غرور و تکبر سیاست مداران آمریکا را لگدمال خواهد کرد. وی ادامه داد: ملت

صفوی ایران فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها را پشت سر خواهد گذاشت و از این تنگنای اقتصادی عبور خواهد کرد. میراث ترامپ از ریاست جمهوری آمریکا و ظلم‌های آن به ملت ایران و ملت‌های منطقه جز شکست، انزوا و اختلاف با متحدان تاریخی مثل اروپایی‌ها ثمری نخواهد داد و ترامپ تلخ ترین تجربه ریاست جمهوری آمریکا خواهد شد.

